

فرهنگ و نقش آن در ایجاد گونه‌های زبانی محدود و گسترده و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان

پایه‌ی چهارم ابتدایی شهر اهواز

The Role of Culture in Generation of Restricted and Elaborated Linguistic Codes and Academic Achievement of Grade Four Primary Students in Ahwaz City

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۰۵/۳؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۹/۲۵

H. Kavandi

A. Parsa (Ph.D)

S. Shahi (Ph.D)

حبیب کاوندی^۱

عبداله پارسا^۲

سکینه شاهی^۳

Abstract: To conduct a study about the role of culture in the structure of written language and students' achievement in primary schools of Ahvaz, using a diagnostic questionnaire for social class, a film, and the total score of academic achievement, with participation of 120 students (both male and female) from two rich and poor districts, it was found that students of high social class used more grammatical words, nouns, verbs and adjectives than students of low social class. Therefore it could be said that students of high social class apply elaborated linguistic codes and students of low social class apply restricted linguistic codes. Girls use more verbs and adjectives than boys, but there was no relation between gender and frequency of the number of application of nouns, pronouns and adverbs. Students with elaborated linguistic code have high academic achievement than students with restricted linguistic codes.

Keywords: culture, written language, linguistic code, academic achievement, Bernstein theory

چکیده: با هدف بررسی نقش فرهنگ در ساختار زبان نوشتاری و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان چهارم ابتدایی شهر اهواز با کمک پرسشنامه‌ی تشخیصی طبقه اجتماعی، فیلم باز باران و معدل دانش‌آموزان؛ و مشارکت ۱۲۰ دانش‌آموز پسر و دختر از دو منطقه برخوردار و محروم، آشکار شد که دانش‌آموزان طبقات اجتماعی بالا از مقولات دستوری (واژه، اسم، فعل، قید، ضمیر و صفت) در نوشتارهای خود بیشتر استفاده می‌کنند. لذا می‌توان گفت دانش‌آموزان طبقه‌ی اجتماعی بالا از گونه‌ی زبانی گسترده و دانش‌آموزان طبقه‌ی اجتماعی پایین از گونه‌ی زبانی محدود بهره می‌گیرند. دخترها در مقایسه با پسرها از فعل و صفت بیشتر بهره می‌گیرند، اما بین جنسیت و تعداد کاربرد واژه، اسم، ضمیر و قید رابطه معناداری به دست نیامد. همچنین، دانش‌آموزان دارای گونه‌ی زبانی گسترده از موفقیت تحصیلی بیشتری برخوردارند.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، زبان نوشتاری، گونه‌ی زبانی، موفقیت تحصیلی، نظریه برنشتاین

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز

۲. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

۳. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

چنین به نظر می‌رسد که اساسی‌ترین رویدادها در زندگی افراد، تحت تأثیر فرهنگ آن‌ها رخ می‌دهد. تأثیر فرهنگ به ویژه در آموزش و تحصیل، بسیار قابل توجه بوده و از اهمیت خاصی برخوردار است (جهانگیری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۲)؛ و از مهم‌ترین کارکردهای برنامه‌های درسی، حفظ، انتقال و پالایش فرهنگ است. رایج‌ترین دیدگاه در مورد فرهنگ براساس ایده فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای از الگوهای ارزشی است که در میان افراد و گروه‌ها به اشتراک گذاشته می‌شود (زفسکا^۱، ۲۰۰۲، نقل در معصومی و لیندستروم^۲، ۲۰۰۹). کانینگ‌هام و گری‌سو^۳ (نقل در مقنی زاده، ۱۳۸۱) معتقدند که فرهنگ در درون خود اغلب اساسی‌ترین شکل‌های فهمیدن غیررسمی و یک بدنه راهبردی از رفتارهای یادگیری شده را حمل می‌کند.

نظریه‌های بازتولید اجتماعی و فرهنگی نیز عمدتاً در این راستا شکل گرفته‌اند. زبان آموزی، معانی فرهنگی و رفتار اجتماعی از سوی یادگیرندگان به عنوان یک فرایند مستمر ادراک می‌شود (واتسون- جی گنو و جی گنو^۴، ۱۹۹۵، نقل در مختارنیا، ۲۰۱۱). به عقیده لازیر^۵ (۱۹۹۷) زبان، مجموعه‌ای از آواها و نمادها است که افراد به کمک آنها ارتباط برقرار می‌کنند و فرهنگ و زبان مشترک، داد و ستد افراد را تسهیل می‌کند. باسیل برنشتاین^۶، از برجسته‌ترین متفکران مکتب بازتولید فرهنگی بر این باور است که زبان، از فرهنگ متأثر می‌شود و بر فرهنگ نیز تأثیر می‌گذارد. هر گاه کودکی در محیط زبانی و فرهنگی خاصی رشد کند، زبان و فرهنگ آن محیط را فرا می‌گیرد و اندوخته‌های زبانی و فرهنگی خود را به نسل آینده منتقل می‌کند (نرسیسیانس، ۱۳۷۷: ۱۶۸). از دیدگاه برنشتاین مصادیق و مظاهر فرهنگی را می‌توان در طبقات اجتماعی گوناگون جامعه، به اشکال متفاوت و گاه متمایز مشاهده نمود. به همین دلیل شاید بتوان گفت طبقه‌ی اجتماعی معرف فرهنگ زندگی گروه‌های اجتماعی است. از این رو نظریه برنشتاین سعی دارد رابطه‌ی بین طبقه‌ی اجتماعی^۷، زبان و آموزش^۸ را به طور واضحی شرح دهد (عارفی،

1. Zowska
2. Masoumi & Lindstrom
3. Cunningham & Gresso
4. Watson- Ji Geo & Ji Geo
5. Lazear, E. P.
6. Basil bernstein
7. Social class
8. Education

فرهنگ و نقش آن در ایجاد گونه های زبانی محدود و گسترده و ...

(عارفی، ۲۰۰۸: ۹۸). در واقع برنشتاین در جستجوی این مطلب بوده است که فرم‌های مختلف اجتماعی شدن چگونه روی فرم‌های گفتاری مورد نیاز و به کار رفته توسط طبقات اجتماعی مختلف به صورت متفاوتی عمل می‌کنند (هاودلی و مولر^۱، ۲۰۰۹: ۷۰).

بیان مسأله و چارچوب نظری

زبان^۲ به عنوان یکی از پیچیده‌ترین مصنوعات بشری، کارکردهای گوناگونی دارد؛ وسیله‌ای برای ارتباط و تفاهم اجتماعی، انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر و وسیله‌ای برای تفکر است (شاهی، ۱۳۸۹: ۸۹). بر اساس نظریات علم زبان‌شناسی^۳، یک فرد بوسیله‌ی زبان، نه تنها واقعیات را به تصویر می‌کشد، بلکه آنها را می‌آفریند. این موضوع در مراحل یادگیری یک زبان، به این معنی است که دستیابی به درک حقایق جدید از طریق یادگیری آن زبان، موجب خلاقیت و مهارت زبانی می‌شود. بر این اساس، درک حقایق یک زبان با درک فرهنگ^۴ متکلمان آن ارتباط نزدیکی دارد (دوستی زاده، ۱۳۸۷: ۶۸). به همین جهت، زبان به عنوان یک رفتار اجتماعی، باید در بافت فرهنگی - اجتماعی خود مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار گیرد. میکولیچ^۵ (۲۰۱۰) معتقد است اگر زبان بیانگر هویت و وابستگی فردی و قومی فرد است، بنابراین آگاهی و نگرش فرد به زبان باید با وابستگی ملی و قومی او پیوند داده شود. در این صورت زبان به عنوان یک عنصر آگاهی بخش توسعه می‌یابد. از اهداف بسیار مهم برنامه‌های درسی در کشورهای مختلف و در مقاطع مختلف تحصیلی، تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی است و زبان ملی به طور ویژه نماد این هویت مشترک است. از آنجا که زبان، پدیده‌ای یکپارچه و همگن نیست؛ می‌توان گوناگونی‌های زبانی را بر اساس همبستگی بین متغیرهای زبانی و غیر زبانی بررسی کرد. هرچند که تا به حال نظریه واحدی در این زمینه ارائه نشده است، برنشتاین معتقد است که طبقه‌ی اجتماعی فرد از طریق تأثیر آن بر ساختار خانواده، گونه‌ی زبانی کودک را تعیین می‌کند (جهانگیری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۲). ایشان (۱۹۶۲)، نقل در

-
1. Hoadley and muller
 2. Language
 3. Linguistics
 4. Culture
 5. Mikolic, V.

سادونیک^۱، ۲۰۰۱: ۶۸۸) دو گونه‌ی زبانی محدود و گسترده را شرح می‌دهد و بر این باور است که اگر چه کودک دارای بهره‌ی هوشی طبیعی است، ولی به خاطر ادراک متفاوتی که کودکان این طبقه‌ی اجتماعی (پایین و بالا) به واسطه‌ی نوع گونه‌ی زبانی‌شان از موضوعات مختلف دارند (جهانگیری و همکاران، ۱۳۸۶، ۲۲)، یادگیری^۲ آنها نیز در میان طبقات اجتماعی مختلف، متفاوت است (سادونیک، ۲۰۰۱، ۶۸۸).

در این رابطه پژوهش‌هایی صورت گرفته که به استناد یافته‌های لاوتن^۳ (۱۹۶۴)، هاوکینز^۴ (۱۹۶۹)، جانسون^۵ (۱۹۷۷)، مورک^۶ (۲۰۰۰)، باوین^۷ و همکاران (۲۰۱۰)، پرتویی (۱۳۷۴)، کوچک‌زاده (۱۳۸۵) و ... می‌توان ادعا کرد که گونه‌ی زبانی محدود با طبقه‌ی اجتماعی پایین و گونه‌ی زبانی گسترده با طبقه‌ی اجتماعی متوسط و بالا در ارتباط است. به گونه‌ای که این تفاوت‌های طبقاتی، در کاربرد مقوله‌های دستوری، شامل اسم، ضمیر، صفت، قید و حرف اضافه قابل مشاهده می‌باشد. برای بررسی دقیق‌تر گونه‌های زبانی مد نظر، زبان‌نوشتاری دانش‌آموزان مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ چرا که صورتی ثابت دارد و سنجیده‌تر و منسجم‌تر از گفتار است (رضایی، ۱۳۸۴: ۲۷)، این شیوه امکان بررسی زبان از بعد ساختاری را فراهم می‌آورد.

مبنای نظری این پژوهش، نظریه‌ی برنشتاین است؛ طی چهار دهه‌ی گذشته باسیل برنشتاین، فیلسوف و جامعه‌شناس انگلیسی، از جمله افراد برجسته و صاحب نظری بوده است که نظریاتش در گستره‌ی وسیعی از مطالعات علمی در زمینه‌های مختلف روان‌شناسی زبان، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی اجتماعی و بویژه آموزش و پرورش مورد استفاده قرار گرفته و در عین حال بسیار بحث‌انگیز بوده است. نگاهی گذرا به کارنامه‌ی پژوهش‌های علمی او نبوغ و صداقت وی را به وضوح آشکار می‌سازد (کوچک‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۴).

شهرت برنشتاین اساساً مرهون تحقیقات گسترده‌ای است که درباره‌ی ارتباط بین طبقه‌ی اجتماعی و نوع زبان اکتسابی کودک انجام داده است. وی معتقد است که طبقه‌ی اجتماعی

1. Sadovnik
2. Learning
3. Lowton
4. Howkins
5. Johnston
6. Moerk
7. Bavin

فرهنگ و نقش آن در ایجاد گونه های زبانی محدود و گسترده و ...

کودک از طریق تأثیر آن بر ساختار خانواده، گونه های زبانی کودک را تعیین می کند (جهانگیری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۲). از نظر برنشتاین، بین کدهای برقراری رابطه در کودکان طبقه کارگر^۱ و طبقه متوسط^۲، تفاوت های طبقه اجتماعی وجود دارد که این تفاوت ها نشان دهنده روابط قدرت^۳ و طبقه موجود در تقسیم بندی اجتماعی کار، خانواده و مدارس می باشد (سادونیک^۴، (سادونیک^۴، ۲۰۰۸: ۵۶۳). در واقع برنشتاین ساختار اجتماعی را در وهله اول به صورت نظامی از نابرابری های طبقاتی می داند و معتقد است ساز و کار اصلی که از طریق آن تأثیرات این ساختار انتقال می یابد، همانا خانواده است. موقعیت طبقاتی خانواده عامل اصلی تعیین کننده قواعد زبان شناختی است (برنشتاین، ۱۹۷۱، نقل در شارع پور، ۱۳۸۷: ۷۹)

برنشتاین (۱۹۷۲)، نظریه خود را درباره تفاوت های کیفی اساسی در گفتار میان کودکان طبقه متوسط و طبقه کارگر ارائه داد. این تفاوت ها ریشه در استفاده از نظام دستور زبان^۵ و واژگان^۶ وجود دارد. او بیان می دارد که اساساً این تفاوت ها از روابط متفاوت ساختار طبقاتی در جامعه، به ویژه از روابط خانوادگی، گروه های همسن، مدرسه و جامعه بر می خیزد. کودکان طبقات مختلف اجتماعی، هویت اجتماعی - فرهنگی خود را از جامعه ای که به آن تعلق دارند، کسب می کنند و راه های احترام به خود را در بیان این هویت به دست می آورند (آثرتون^۷، ۲۰۰۲).

به باور برنشتاین، الگوی گفتار فرد موجب استمرار و تداوم طبقه اجتماعی آنان می گردد و البته این الگو را موقعیت اجتماعی خانواده ای او معین می کند. برنشتاین معتقد است که تفاوت الگوهای زبانی کودکان طبقات اجتماعی مختلف می تواند بر عملکرد تحصیلی آنان تأثیر گذار باشد (علاقه بند، ۱۳۸۸: ۱۲۲). او بر این باور است که رمز گفتاری افراد طبقه متوسط با تجارب خانواده ای آنها همراهی دارد و ویژگی آن، انعطاف پذیری، جامع بودن، و رها بودن از زمینه و بافت است. بر عکس، رمز گفتاری کودکان طبقه پایین در ضمن آنکه با تجارب

-
1. Working class
 2. Middle class
 3. Pover Relations
 4. A.R.sadovnik
 5. Language Grammer
 6. Words
 7. Atherton

خانوادگی آنان همراهی دارد، معمولاً خشن، اختصاصی و وابسته به بافت و زمینه است (عارفی، ۱۳۸۲: ۶۱).

در نتیجه برنشتاین به دو گونه یا کد زبانی متفاوت اشاره می‌کند:

- گونه‌ی زبانی محدود

- گونه‌ی زبانی گسترده (جهانگیری و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۳).

به طور کلی برنشتاین (۱۹۷۴: ۳۹-۳۸) ویژگی‌های ساختاری گونه‌ی زبانی محدود و

گسترده را به شرح زیر ارائه داده است:

«در گونه‌ی زبانی محدود؛ جملات کوتاه، از نظر گرامری ساده و غالباً نا تمام با یک ساختار نحوی ضعیف؛ استفاده ساده از حروف ربط، حروف تعریف، حروف شرط و تکیه منطقی توسط شیوه‌های غیر گفتاری، استفاده‌ی فراوان از پرسش‌ها و دستورهای کوتاه؛ استفاده‌ی کم و محدود از صفت‌ها و قیدها؛ استفاده‌ی ناکافی از ضمائر غیر شخصی به عنوان فاعل یک جمله‌ی شرطی؛ و همچنین اظهاراتی به صورت پرسش‌هایی منظم که یک چرخش مطلوب را به وجود می‌آورند. ... بیان یک حقیقت اغلب اوقات خارج از ساختار جمله قرار می‌گیرد. به همین دلیل این گونه، یک زبان مفهومی ضمنی و تلویحی می‌باشد ... هنگامی که از این زبان استفاده می‌شود، احساسات انتقال یافته به صورت مفصل و ناپخته‌ای با هم متفاوت هستند. در حالی که گونه‌ی زبانی گسترده از نظر زبانی با استفاده از میزان نسبتاً زیاد بندهای پیرو، افعال مجهول، صفات، اسم‌ها، قیود و حروف ربط مجهور و ضمیر «من» متمایز می‌شود.»

از نظر برنشتاین تفاوت‌های آموزشی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان طبقات مختلف جامعه ناشی از تفاوت در گونه‌های زبانی آنها است. بر این اساس انواع مختلف زبان دارای پتانسیل‌های متفاوتی برای یادگیری در مدرسه هستند (هاودلی و مولر، ۲۰۰۹: ۷۰-۶۹). این تفاوت‌ها با ورود کودک به مدرسه اهمیت می‌یابند، زیرا نوع زبان مورد قبول در مدرسه همان گونه‌ی زبانی گسترده است. بدین سان کودک طبقه‌ی متوسط از قبل با نوع زبان مورد استفاده در مدرسه آشنا می‌شود در حالی که کودک طبقه‌ی کارگر، اول باید به زبان رسمی و گسترده تجهیز شود. یعنی او ابتدا باید قواعد مفصلی را که زبان و مدرسه است بیاموزد. لذا زبان، نوعی ضعف و عامل عقب ماندگی برای کودکان طبقه‌ی کارگر و نوعی امتیاز مثبت برای کودکان طبقه‌ی متوسط به

فرهنگ و نقش آن در ایجاد گونه های زبانی محدود و گسترده و ...

حساب می آید (شارع پور، ۱۳۸۷: ۸۳-۸۲)؛ و گونه های زبانی کودکان در طبقات اجتماعی مختلف می تواند بر عملکرد آموزشی آنان تأثیر داشته باشد (علاقه بند، ۱۳۸۸: ۱۸۲).

از دیدگاه برنشتاین، کودکانی که گونه ی زبانی گسترده ای را فرا گرفته اند در مقایسه با کودکانی که از شکل محدود زبان استفاده می کنند، از توانایی بیشتری برای بهره مند شدن از آموزش رسمی برخوردار هستند. کودکانی که در زمینه ی زبان توسعه یافته مهارت پیدا کرده اند می توانند خیلی سریع تر با محیط مدرسه سازگار شوند (عارفی، ۲۰۰۸: ۹۹).

لاوتن (۱۹۶۴) با بررسی تأثیر طبقات اجتماعی بالا و پایین بر گونه های زبانی کودکان نشان داد که تفاوت های طبقات اجتماعی، در کاربرد تعداد مقوله های دستوری شامل اسم، ضمیر، قید، صفت و حرف اضافه قابل مشاهده است و تفاوت معناداری بین تعداد میزان کاربرد اسم و تفاوت های طبقاتی وجود دارد. به این ترتیب که کودکان طبقات بالا به طرز قابل توجهی از «اسم» و نیز تعداد بیشتری «ضمیر» در نوشته های خود استفاده کرده بودند. البته باید ذکر شود که این تفاوت در تعداد کل ضمیر به کار رفته بود؛ چرا که کودکان طبقه ی اجتماعی پایین در مقایسه با کودکان طبقه ی اجتماعی بالا از ضمیر «ما» بیشتر استفاده کرده بودند که ریشه در سبک زندگی این کودکان دارد. از یافته های دیگر لاوتن در این پژوهش این بود که کودکان طبقه ی اجتماعی بالا در کاربرد مقوله های دیگر مانند قید، صفت و حرف اضافه نیز از کودکان طبقه ی پایین پیشی گرفته بودند. وی اظهار داشته است که کودکان طبقات اجتماعی بالا از یک گونه ی زبانی گسترده و توسعه یافته تری نسبت به کودکان طبقات اجتماعی پایین بهره می گیرند.

یافته ی پژوهش فوق دقیقاً با یافته های تحقیقات روبینسون^۱ (۱۹۶۵)؛ مورک (۲۰۰۰)؛ پرتویی (۱۳۷۴) و کوچک زاده (۱۳۸۵) مطابقت دارد اما با یافته ی پژوهش علافچی (۱۹۹۸) به طور کامل مغایر است. در این بین پژوهش های دیگری نیز بررسی گردیده که یافته های آنها نشان می دهد که کلیت نظریه برنشتاین مورد تأیید قرار گرفته؛ اما در بعضی مؤلفه ها نتایج معناداری یافت نشده و در بعضی موارد دیگر نتایج متفاوتی به دست آمده است. برای نمونه هاوکینر (۱۹۶۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که دانش آموزان طبقات اجتماعی بالا و پایین در تعداد کاربرد واژه و اسم با یکدیگر متفاوت هستند و این اختلاف به نفع دانش آموزان طبقه اجتماعی بالا است. اما در تعداد کاربرد فعل و صفت تفاوتی را مشاهده نکرد.

جانسون (۱۹۷۷) به این نتیجه رسید که پسرها در مقایسه با دخترها به میزان بیشتری از قید استفاده می‌کنند، اما دختران طبقات متوسط نسبت به گروه‌های دیگر بیش‌تر از افعال بهره می‌گیرند. به طور کلی این پژوهش نشان داد که دخترها بیش‌تر از پسرها از کلمات استفاده می‌کنند. در تأیید پژوهش فوق، جانسون (۱۹۷۷)؛ مک‌وینی و اوسر (۱۹۷۷) و پرتویی (۱۳۷۴) به این نتیجه رسیدند که بین میزان استفاده از مقولات دستوری و جنسیت، تفاوت وجود دارد.

برنشتاین در پژوهش‌های خود به دنبال این مسئله بود که تفاوت زبانی بین فرهنگ‌ها و طبقات مختلف اجتماع موجب توفیق و یا عدم توفیق دانش‌آموزان در مدرسه می‌شود.

جامعه‌ی ایران، با توجه به شرایط اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی خاصی که دارد، دارای لایه‌های متفاوت اجتماعی- فرهنگی بوده و جمعیت زیادی از دو زبانه‌ها را در خود جای داده است. به جز دو زبانه‌ها، آن چه در ایران نمود وسیع‌تری دارد، وجود لهجه‌ها و گویش‌های بسیار متنوعی است که با زبان معیار و رسمی خاص آموزش فاصله‌ی زیادی دارد. در نتیجه، به نظر می‌رسد در جامعه‌ی ایران، خانواده‌ها و موقعیت اجتماعی آنها در ایجاد گونه‌های زبانی و به تبع آن در میزان موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر بسزایی داشته باشند. در این پژوهش نیز سعی شده به این مسئله پاسخ داده شود که چگونه طبقات اجتماعی مختلف، گونه‌های زبانی متفاوتی را شکل می‌دهد و به تبع آن چگونه گونه‌های زبانی مختلف می‌تواند در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر باشد و هدف تحقیق حاضر، با توجه به اهمیت نقش عوامل محیطی در فرایند یاددهی و یادگیری، شناخت تأثیر طبقه‌ی اجتماعی بر ساختار زبان نوشتاری و نقش آن در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان چهارم ابتدایی شهر اهواز است. برای تحقق هدف یاد شده تلاش می‌شود به سؤالات زیر پاسخ داده شود.

سؤالات پژوهش

- آیا بین دانش‌آموزان طبقات اجتماعی بالا و پایین در تعداد کاربرد واژه، اسم، فعل، ضمیر، قید و صفت، تفاوت معناداری وجود دارد؟
- آیا بین دانش‌آموزان دختر و پسر در تعداد کاربرد واژه، اسم، فعل، ضمیر، قید و صفت، تفاوت معناداری وجود دارد؟
- آیا بین دانش‌آموزان دارای گونه‌های زبانی محدود و گسترده در موفقیت تحصیلی، تفاوت معناداری وجود دارد؟

فرهنگ و نقش آن در ایجاد گونه های زبانی محدود و گسترده و ...

- آیا تعامل بین طبقه‌ی اجتماعی و گونه‌های زبانی می‌تواند در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر داشته باشد؟

روش پژوهش

روش انجام این پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا است؛ چرا که متن انشاهای دانش‌آموزان مورد تحلیل ساختاری قرار گرفته است. هولستی^۱ (۱۹۶۹)، نقل در معروفی و یوسف زاده، (۱۳۸۸) تحلیل محتوا را تکنیکی عینی و نظام‌مند برای استنباط پیام‌های موجود در یک متن تعریف می‌کند. از نظر کریپندروف^۲ (۱۹۸۰) و وبر^۳ (۱۹۹۰) تحلیل محتوا تکنیک نظام‌مند تبدیل عبارات متن به طبقات خاص، براساس قوانین صریح کدگذاری به منظور تعیین تأکیدات افراد، گروه‌ها و پیام‌های مندرج در متن است. این روش برای پژوهشگران امکان تلفیق داده‌ها را با استفاده از مجموعه‌ای از روش‌ها فراهم می‌سازد (همان).

سرمد و همکاران (۱۳۷۷) معتقدند برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن می‌توان از روش تحلیل محتوا استفاده کرد. در این روش، محتوای آشکار و پیام‌ها به طور نظام‌دار و کمی توصیف می‌شود. از این رو این روش را می‌توان روش تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی قلمداد کرد. تحلیل محتوا روشی مناسب برای پاسخ دادن به سؤال‌هایی درباره‌ی محتوای یک پیام است. به طور مشخص محقق با تحلیل پیام‌ها می‌تواند به ویژگی‌های شخصیت یاد شده در متن (پیام)، پیشینه‌ی پیام و همچنین اثرهای پیام بر مخاطبان پی‌برد.

تحلیل محتوای متون درسی، یک شیوه پژوهشی دقیق، عمیق و پیچیده است که از طریق تجزیه و تحلیل متون به تعیین تعداد مفاهیم و واژه‌های درون متن می‌پردازد تا ارتباط بین مفاهیم، معانی و تأکیدات را مشخص نموده و ورای توصیف و طبقه‌بندی مقوله‌های موجود در پیام آشکار؛ از طریق درک موقعیت و شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نویسنده، به تفسیر آثار و پیامدهای پیام در فراگیر پردازد (حسن مرادی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷).

پینگل^۴ (۱۹۹۹)، نقل در معروفی و یوسف‌زاده، (۱۳۸۸) قائل به پنج روش کیفی شامل: تحلیل تأویلی یا هرمنوتیک، تحلیل زبان‌شناسانه، تحلیل بین فرهنگی، تحلیل گفتمان، و تحلیل اقتضایی

-
1. Holisti
 2. Krippendorff
 3. Weber
 4. Pingel

است. طبق تعاریف، در تحلیل زبان شناسانه، بررسی صحت و سقم واژه‌ها، معانی، اصطلاحات و شیوه در کنار هم قرار گرفتن آنها محور تحلیل قرار می‌گیرد. در این تحقیق، از روش تحلیل زبان شناسانه استفاده شده و با بررسی ساختار متون نوشته شده توسط دانش آموزان، فراوانی واژگان، اسم‌ها، فعل‌ها، قیده‌ها، صفت‌ها و ضمیرهای به کار رفته در انشاهای شمارش و کدگذاری شده‌اند.

جامعه‌ی آماری مطالعه‌ی حاضر کلیه‌ی دانش‌آموزان چهارم ابتدایی شهر اهواز است که در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ مشغول به تحصیل بوده‌اند. در این راستا، ابتدا دو منطقه‌ی متفاوت از شهر اهواز به صورت هدفمند و بر اساس میزان برخورداری از ثروت در این دو منطقه انتخاب شده و در مرحله‌ی بعد از هر منطقه (محروم - برخوردار) ۶۰ نفر (۳۰ دختر و ۳۰ پسر) و مجموعاً ۱۲۰ نفر به صورت تصادفی ساده به عنوان نمونه‌ی پژوهش گزینش شده است.

در این مطالعه از سه ابزار جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. در مرحله‌ی نخست از یک پرسشنامه‌ی تشخیصی برای تشخیص طبقه اجتماعی دانش‌آموزان در مرحله‌ی نخست محل سکونت آنها استفاده شد. البته در مناطقی با بافت اجتماعی بالا یا پایین، امکان ورود نمونه‌های نامربوط وجود دارد؛ از این رو با توجه با آراء دانشمندان جامعه‌شناس و تأیید متخصصان مربوطه، ۷ مؤلفه جهت تشخیص طبقه اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان منظور شده است که شامل تحصیلات پدر و مادر، درآمد پدر و مادر، نوع مسکن، نوع خودرو و محل سکونت آنها است؛ و همه‌ی این موارد بین نمرات ۱ الی ۶ درجه‌بندی شده است. از این رو دانش‌آموزانی که نمره‌ای زیر ۲/۵ کسب می‌کردند جز طبقه اجتماعی پایین و دانش‌آموزانی که نمره‌ی بالای ۳/۵ را کسب می‌نمودند جز طبقه اجتماعی متوسط و بالا محسوب می‌شدند.

انتخاب هدفمند با توجه به توزیع و گستردگی مردم در مناطق ثروتمند و فقیر شهری، منطقه‌ای که محل سکونت اقشار ثروتمندتر جامعه و منطقه‌ای که محل سکونت اقشار فقیرتر جامعه است صورت گرفته، اما چون با وجود مقبول بودن شاخص درآمد برای متمایز کردن طبقه اجتماعی در بسیاری از تحقیقات علوم اجتماعی، در این تحقیق فقط ثروت، ملاک طبقه اجتماعی نبوده و چون احتمال این می‌رفت که در هر منطقه افراد و خانواده‌هایی باشند که فقط به دلیل ثروت بالا و یا فقر مالی شدید ناگزیر به سکونت در آن منطقه شده باشند، و در عین حال از سواد فرهنگی پایین و یا بالایی برخوردار باشند، شاخص‌های دیگری مانند تحصیلات والدین و

فرهنگ و نقش آن در ایجاد گونه های زبانی محدود و گسترده و ...

... نیز استفاده شده است، لذا به منظور گزینش دقیق تر افراد و گمارش دقیق تر آنها در دو طبقه بالا و پایین، از این پرسشنامه نیز استفاده شد و دو گروه بالا و پایین که بیشترین و کمترین نمرات را گرفتند به عنوان نمایندگان دو طبقه انتخاب شدند. در واقع پس از انتخاب دو منطقه به صورت هدفمند، انتخاب مدارس و دانش آموزان به صورت تصادفی بوده است

سپس فیلم ۲۹ دقیقه ای باز باران برای دانش آموزان به نمایش گذاشته شد تا بعد از دیدن فیلم مذکور، انشاهای خود را بنویسند. معدل دانش آموزان نیز به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی آنان منظور گردیده است. به منظور تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق، از دو نفر از متخصصان زبان شناسی استفاده شده است که هر کدام از این متخصصان متون انشاهای را از نظر ساختاری مورد بررسی قرار داده و تعداد واژگان، اسم ها، فعل ها، قیده ها، صفت ها و ضمیرهای مورد استفاده در انشاهای را شمارش و کدگذاری کرده اند.

گزارش یافته ها

سؤال یک: آیا بین دانش آموزان طبقات اجتماعی متوسط بالا و پایین، در تعداد کاربرد مقولات دستوری تفاوت معناداری وجود دارد؟

به منظور بررسی سؤال فوق از آزمون ناپارامتریک یومان ویتنی به شرح جدول شماره ۱ استفاده شده است.

جدول ۱: مقایسه میانگین تعداد مقولات دستوری و نتیجه ی آزمون آماری بر حسب سطح طبقاتی دانش آموزان

انشای دانش آموزان							جنبه های مورد مقایسه
نتیجه آزمون آماری		میانگین رتبه ها			طبقه اجتماعی		
سطح معناداری	Z مقدار	U مقدار	طبقه پایین	طبقه بالا	طبقه پایین	طبقه بالا	
۰/۰۰۱	-۷/۳۶	۳۹۸	۳۷/۱۳	۸۳/۸۷	۱۳۴/۹۵	۲۵۲/۲۰	تعداد واژه
۰/۰۰۱	-۶/۹۹	۴۶۸/۵	۳۸/۳۱	۸۲/۶۹	۴۵/۱۵	۸۰/۲۰	تعداد اسم
۰/۰۰۱	-۷/۵۳	۳۶۶/۵	۳۶/۶۱	۸۴/۳۹	۲۲/۳۳	۴۱/۹۸	تعداد فعل
۰/۰۰۱	-۷/۲۱	۴۲۷	۳۷/۶۲	۸۳/۳۸	۱۵/۹۸	۳۰/۴۵	تعداد ضمیر
۰/۰۰۱	-۸/۰۸	۲۶۳/۵	۳۴/۸۹	۸۶/۱۱	۶/۳۳	۱۵/۹۸	تعداد قید
۰/۰۰۱	-۷/۵۸	۳۵۸	۳۶/۴۷	۸۴/۵۳	۶/۱۰	۱۴/۵۵	تعداد صفت

بررسی جدول فوق نشان می‌دهد که اختلاف میانگین بین رتبه‌های تعداد کاربرد واژه، اسم، فعل، ضمیر، قید و صفت در دانش‌آموزان طبقات اجتماعی متوسط بالا و پایین از نظر آماری معنادار است. بدین معنی که دانش‌آموزان طبقات اجتماعی متوسط و بالا از تعداد مقولات دستوری بیشتری نسبت به دانش‌آموزان طبقات اجتماعی پایین سود جستند. با بررسی پیشینه‌ی تجربی پژوهش، ملاحظه گردید که این یافته با نتایج تحقیقات لوتن (۱۹۶۴)؛ روبینسون (۱۹۶۵)؛ مورک (۲۰۰۰)؛ پرتویی (۱۳۷۴) و کوچک زاده (۱۳۸۵)، همسو و با نتیجه‌ی پژوهش علافچی (۱۹۹۸) نا همسو است.

سؤال دو: آیا بین دانش‌آموزان دختر و پسر، در تعداد کاربرد مقولات دستوری تفاوت معناداری وجود دارد؟

به منظور بررسی سؤال فوق از آزمون ناپارامتریک یومان ویتنی به شرح زیر استفاده شده است.

جدول ۲: مقایسه میانگین تعداد مقولات دستوری و نتیجه‌ی آزمون آماری بر حسب جنسیت دانش‌آموزان

انشای دانش‌آموزان							جنسیت	مورد مقایسه
نتیجه آزمون آماری		میانگین رتبه‌ها		جنسیت				
سطح معناداری	Z مقدار	U مقدار	پسر	دختر	پسر	دختر		
۰/۶۰	-۱/۸۸	۱۴۴۱	۵۴/۵۲	۶۶/۴۸	۱۷۶/۷۳	۲۱۰/۴۲	تعداد واژه	
۰/۰۶۸	-۱/۸۲	۱۴۵۲	۵۴/۷۱	۶۶/۲۹	۵۷/۵۰	۶۷/۸۵	تعداد اسم	
۰/۰۳۲	-۲/۱۵	۱۳۹۱	۵۳/۶۸	۶۷/۳۲	۲۸/۹۰	۳۵/۴۱	تعداد فعل	
۰/۱۷۵	-۱/۳۶	۱۵۴۲	۵۶/۱۹	۶۴/۸۱	۲۱/۷۱	۲۴/۷۱	تعداد ضمیر	
۰/۹۲۷	-۰/۰۹۲	۱۷۸۲	۶۰/۲۱	۶۰/۷۹	۱۱/۳۶	۱۰/۹۵	تعداد قید	
۰/۰۴۷	-۱/۹۸	۱۴۲۲	۵۴/۲۱	۶۶/۷۹	۹/۳۰	۱۱/۳۵	تعداد صفت	

بررسی جدول ۲ نشان می‌دهد که اختلاف میانگین بین رتبه‌های تعداد کاربرد فعل و صفت در دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد و این تفاوت به نفع دانش‌آموزان دختر است که این یافته با نتایج پژوهش‌های جانسون (۱۹۷۷)؛ مک‌وینی و اوسر (۱۹۷۷) و پرتویی (۱۳۷۴) همسو است. اما بین تعداد کاربرد واژه، اسم، ضمیر و قید در این دو گروه تفاوت معناداری یافت نشد.

فرهنگ و نقش آن در ایجاد گونه های زبانی محدود و گسترده و ...

سوال سه: آیا بین دانش آموزان دارای گونه های زبانی محدود و گسترده در موفقیت تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد؟

به منظور بررسی سؤال فوق از آزمون T برای گروه های مستقل به شرح ذیل استفاده شده است.

جدول ۳: مقایسه میانی معدل دانش آموزان دارای گونه های زبانی محدود و گسترده

خرده مقیاس	گونه ی زبانی	تعداد	میانگین	درجه ی آزادی	مقدار t	سطح معناداری
موفقیت تحصیلی	محدود	۶۰	۱۷/۴۲	۱۱۸	-۸/۳۴	۰/۰۰۱
	گسترده	۶۰	۱۹/۵۴			

دانش آموزانی که در انشاهای خود کمتر از ۱۹۳ واژه را استفاده کرده اند، دارای گونه زبانی محدود؛ و دانش آموزانی که بیشتر از ۱۹۳ واژه را استفاده کرده اند، دارای گونه زبانی گسترده هستند. از نتایج دریافت می شود که بین میانگین معدل دانش آموزان دارای گونه های زبانی محدود و گسترده تفاوت معناداری وجود دارد ($t=۸/۳۴, p < ۰/۰۵$)؛ و این تفاوت به نفع دانش آموزان طبقه ی اجتماعی بالا است. لازم به ذکر است که در پژوهش های مرتبط با نظریه برنشتاین که در بخش ادبیات و چارچوب نظری تحقیق به آنها استناد شد از بررسی رابطه بین گونه های زبانی و پیشرفت تحصیلی (معدل) غفلت شده است.

سؤال چهار: آیا تعامل بین طبقه ی اجتماعی و گونه های زبانی می تواند در موفقیت تحصیلی دانش آموزان تأثیری داشته باشد؟

پاسخ به این سؤال با استفاده از تحلیل واریانس دو راهه محاسبه و در جداول شماره ۴ و ۵ گزارش شده است.

جدول ۴: خلاصه ای از یافته های توصیفی مربوط به گونه زبانی و طبقه اجتماعی

گونه زبانی	میانگین متغیرهای مستقل		
	طبقه اجتماعی	میانگین	انحراف استاندارد
محدود	بالا	۱۸/۱۰	۱/۱۹
	پایین	۱۷/۲۷	۱/۹۰
	جمع	۱۷/۴۲	۱/۸۱
گسترده	بالا	۱۹/۵۲	۰/۷۵
	پایین	۱۹/۶۱	۰/۷۸
	جمع	۱۹/۶۴	۰/۶۴
جمع	بالا	۱۹/۲۶	۱/۰۱
	پایین	۱۷/۷۰	۱/۹۶
	جمع	۱۸/۴۸	۱/۷۴
			تعداد
			۱۱
			۴۹
			۶۰
			۴۹
			۱۱
			۶۰
			۶۰
			۶۰
			۱۲۰

جدول ۵: بررسی تأثیر تعامل طبقه اجتماعی و گونه‌های زبانی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان

خرده مقیاس	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F مقدار	سطح معناداری
طبقه اجتماعی	۲/۴۷	۱	۲/۴۷	۱/۲۹	۰/۲۵۸
گونه‌های زبانی	۶۳/۴۲	۱	۶۳/۴۲	۴۴/۸۸	۰/۰۰۱
تعامل گونه و طبقه	۳/۷۷	۱	۳/۷۷	۱/۹۸	۰/۱۶۳
خطا	۲۲۱/۱۳	۱۱۶	۱/۹۱		
جمع	۴۱۳۴۷/۴۳	۱۲۰			

با توجه به جدول فوق می‌توان نتیجه گرفت که گونه‌های زبانی محدود و گسترده بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر داشته است ($F=۴۴/۸۸$, $p<۰/۰۵$)؛ اما طبقات اجتماعی بالا و پایین بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیری نداشته است ($F=۱/۲۹$, $P>۰/۰۵$). در نهایت می‌توان اظهار داشت که تعامل بین گونه و طبقه تأثیری بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان نداشته است ($F=۱/۹۸$, $p>۰/۰۵$).

نتیجه‌گیری

نتایج بررسی سؤال نخست تحقیق نشان می‌دهد که دانش‌آموزان طبقات اجتماعی بالا و پایین در کاربرد مقوله‌های دستوری شامل واژه، اسم، فعل، ضمیر، قید و صفت با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت به نفع دانش‌آموزان طبقه‌ی اجتماعی بالا است. بر این اساس دانش‌آموزان طبقه‌ی اجتماعی بالا از گونه‌ی زبانی گسترده و دانش‌آموزان طبقه‌ی اجتماعی پایین از گونه‌ی زبانی محدود بهره می‌گیرند که می‌توان از جنبه‌های متفاوتی دلایل این نتایج را تبیین نمود. به نظر می‌رسد بارزترین این دلایل ریشه در طبقه‌ی اجتماعی دانش‌آموزان دارد. در واقع بین دانش‌آموزان طبقات اجتماعی بالا و پایین یک فاصله یا خلل وجود دارد که این فاصله بر تمام جوانب زندگی آنها تأثیر گذار است. از آنجا که طبقه‌ی اجتماعی افراد با وجود خانواده‌ها مفهوم پیدا می‌کند؛ از این رو بیشترین این تأثیرات متوجه نهاد خانواده است. لذا نوع تعامل والدین با کودکان خود می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای بر رشد زبانی آنها داشته باشد. چون دبستان نقش و رسالت تکمیل مهارت‌های زبانی آموخته شده در خانه و رسمیت بخشیدن به این مهارت‌ها را دارد، ضرورت دارد در برنامه‌های درسی بر تعاملات و فعالیت‌هایی که تأثیر رشد دهنده بر مهارت نوشتاری و

فرهنگ و نقش آن در ایجاد گونه های زبانی محدود و گسترده و ...

گفتاری شاگردان دارند تأکید ساختمندی صورت پذیرد تا کمبود حاصل از ناتوانی خانواده در رشد مهارت های زبانی کودکان جبران شود. همچنان که مورک (۲۰۰۰) در پژوهش خود گزارش داد والدین کودکان طبقات اجتماعی پایین بسیار کم با بچه های خود صحبت می کنند. نه تنها به صحبت کردن کودکان پاداش داده نمی شود، بلکه طوری عکس العمل نشان می دهند که این کودکان یاد می گیرند ساکت باشند و به پرسش های کودکان یا بسیار سطحی پاسخ داده می شود و یا اصلاً پاسخی ارائه نمی دهند. در عوض والدین کودکان طبقه اجتماعی متوسط و بالا بسیار زیاد با کودکان خود صحبت می کنند و از همان اوایل طفولیت برای بیان کردن واژه های جدید با آنها تمرین می کنند. در واقع این والدین از پرسش های کودکان خود استقبال می کنند و به گفتار آنها اهمیت داده و آنها را تشویق می نمایند. به نظر می رسد نوع مکالماتی که بین والدین طبقه ای بالا و کودکان حکمفرماست بسیار طولانی است و تا جایی ادامه می یابد که کودکان از ارائه ی سؤالات یا سخنان جدید منصرف شوند. این نوع برخورد موجب می شود که کودکان نسبت به محیط اطراف خود کنجکاو شده و سطح تفکر آنها بسیار بالا می رود. از این رو می توان اظهار داشت کودکان طبقات متوسط و بالا به سطوح بالای شناختی از جمله تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی دست پیدا می کنند. به نظر می رسد که سبک رهبری والدین این دو طبقه هم در ایجاد گونه های زبانی بی تأثیر نباشد؛ چرا که در محیط خانوادگی کودکان طبقه ای اجتماعی پایین به خاطر فرهنگ پایینی که دارند دستورات از بالا (پدر و مادر) صادر می شود و کودکان حق هیچ گونه اظهار نظری را ندارند. در مقابل والدین کودکان طبقه ای بالا با حفظ رهبری در خانواده سعی دارند به نظرات کودکان خود احترام بگذارند و اگر نظرات آنها معقول نباشد، با صحبت کردن و ایجاد محیطی تعاملی از نظر گفتار سعی در قانع کردن کودکان خود دارند. البته نمی توان خرده به والدین طبقه ای اجتماعی پایین گرفت؛ چرا که سطح سواد آنها بسیار پایین بوده، دارای مشاغل پست و پایینی هستند، از خانه های فرسوده ای بهره می گیرند، تعداد فرزندان آنها بسیار زیاد است، کودکان از اتاق های مشترکی استفاده می کنند، دارای امکانات محدودی هستند، در محیط هایی با فرهنگ اجتماعی و جغرافیایی پایینی زندگی می کنند، دارای خودروهایی هستند که به جای این که در راستای رفاه خانواده باشد، در راستای تأمین معاش خانواده است و ... در بررسی طبقه ای اجتماعی پایین ملاحظه گردید که ۹۰ درصد والدین این طبقه دارای تحصیلات زیر سیکل هستند که این خود گویای بسیاری از واقعیات است. مسئله ی دیگری که در بالا به آن

اشاره شد مربوط به شغل والدین است. هر شخص با توجه به موقعیتی که در آن قرار دارد می-تواند از یک زبان ویژه بهره گیرد؛ زبانی که حاصل تعاملات شغلی افراد است. آیا زبان یک معلم، یک مهندس، یک پزشک و یک کارمند با زبان یک راننده تاکسی، یک تعمیر کار، یک نگهبان و یا یک کارگر مشابه است؟ مسلماً جواب منفی است؛ چرا که هر یک از این مشاغل، زبان خاص خود را دارد که به مرور در زندگی شخصی افراد وارد می‌شود و به آنها جهت می-دهد و تا جایی پیش می‌رود که همه‌ی افراد خانواده با این سبک زبانی ویژه خو می‌گیرند. از این رو با توجه به مطالب فوق می‌توان اظهار داشت که فاصله‌ی اجتماعی و فرهنگی که بین طبقات مختلف جامعه وجود دارد؛ در وهله‌ی اول خود را در تعاملات درون خانواده نشان می‌دهد و آرام آرام به تمام جنبه‌های دیگر نیز سرایت می‌کند که زبان گفتاری و به تبع آن زبان نوشتاری کودکان نیز از این امر مستثنی نیست.

از منظر برنامه‌درسی پنهان نیز می‌توان به این مسئله نگاه کرد. معلمانی که در فرایند یاددهی - یادگیری در کلاس درس متکلم وحده هستند، فرصت کمتری برای تعاملات و داد و ستدهای زبانی به شاگردان می‌دهند. سکوت شاگردانی که در خانواده‌های فقیر، اطاعت و پذیرش را آموخته‌اند، ممکن است این معلمان را تشویق به کنترل بیشتر فعالیت‌های کلاس کند و در نتیجه نابرابری طبقاتی از وجه کاربرد گونه‌های زبانی محدود و گسترده بازتولید شود. خو گرفتن به این شیوه شانس پرورش ویژگی‌هایی مانند اندیشه تأملی و تفکر انتقادی و توانایی بیان و تفهیم پیام را کاهش می‌دهد و چنین حالت احتمالی به منزله شکست برنامه‌های درسی و آموزش و پرورش در تربیت شهروندان مفید است.

نتایج بررسی سؤال دوم نمایان‌گر این است که دانش‌آموزان دختر در زبان نوشتاری خود از تعداد بیشتری فعل و صفت استفاده می‌کنند؛ اما تفاوت معناداری بین پسران و دختران در به کارگیری مقوله‌های واژه، اسم، ضمیر و قید حاصل نشد. دانش‌آموزان دختر نسبت به دانش-آموزان پسر، در زبان نوشتاری خود تا حدودی از مقوله‌های دستوری بیشتری بهره می‌گیرند. این امر می‌تواند علل متفاوتی داشته باشد؛ شاید یکی از مهم‌ترین علل این امر مربوط به تفاوت اجتماعی بین دخترها و پسرها باشد. از دخترها و پسرها طرز تلقی‌های اجتماعی و رفتارهای متفاوتی انتظار می‌رود. در برخی جوامع مانند جامعه‌ی ایران، دختران از همان اوایل کودکی یاد می‌گیرند که محتاطانه صحبت کنند و این امر موجب می‌شود که دخترها رفته رفته در گفتار خود

فرهنگ و نقش آن در ایجاد گونه های زبانی محدود و گسترده و ...

از یک سبک رسمی بهره گیرند. در عوض پسرها در جوامع گوناگون به علت نبود این حساسیت، در گفتار خود از یک سبک عامیانه استفاده می کنند؛ که این امر به مرور زمان موجب ضعف زبانی کودکان پسر می شود. علت دیگری که می توان برای این مورد عنوان کرد این است که صحبت کردن کودکان دختر در محیط خانواده هر چند عضو طبقات پایین باشد مورد استقبال واقع می شوند و این امر زمینه را برای رشد ظرفیت واژگانی دختران مهیا می سازد. مسئله ی دیگر به نوع تعامل دخترها و پسرها با محیط اطراف خود بر می گردد. دخترهای جامعه ی ایران به علت محدودیت، بیشتر اوقات خود را در خانه سپری می کنند؛ در نتیجه زمان بیشتری را با تلویزیون و دیدن برنامه های متنوع می گذرانند؛ که این امر موجب تقویت گونه ی زبانی آنها می شود. در عوض پسرها بیشتر وقت خود را در بیرون از منزل و با دوستان خود می گذرانند که این امر نمی تواند در بهبود دستور زبانی این کودکان مؤثر باشد. علت دیگری که برای این تفاوت می توان بیان نمود، به بعد عاطفی و احساسی کودکان دختر و پسر بر می گردد. از آن جا که دخترها دارای عواطف و احساسات قوی تری هستند این امر به نوبه ی خود می تواند در تفوق زبانی آنها نسبت به پسرها نیز مثرثمر باشد.

بررسی یافته های مربوط به سؤال سوم تحقیق بیانگر آن است که بین دانش آموزان دارای گونه های زبانی محدود و گسترده در موفقیت تحصیلی، تفاوت معناداری وجود دارد و این تفاوت به نفع دانش آموزان دارای گونه ی زبانی گسترده است. همچنان که برنشتاین در پژوهش های خود نشان داده می توان اظهار داشت که تفاوت بین عملکردهای متفاوت تحصیلی در بین طبقات مختلف جامعه از گونه ی زبانی مورد استفاده ی کودکان ناشی می شود؛ چرا که وقتی کودکان وارد مدرسه می شوند، با یک محیط رسمی برخورد می کنند که زبان هم از این امر مستثنی نیست. منظور از زبان در این جا، هم زبانی است که بین معلم و شاگردان رایج است و هم نوع زبان نوشتاری کتاب های درسی است. معمولاً معلمان و آموزگاران به دانش آموزانی که دارای قدرت بیان بهتری باشند بیشتر توجه می کنند و با آنان در محیط کلاسی تعامل بیشتری برقرار می نمایند. از این رو به نظر می رسد که این امر باعث شکاف بیشتر بین دانش آموزان دارای گونه های زبانی محدود و گسترده می شود. نوع نوشتار کتاب های درسی از یک سبک رسمی پیروی می کند و کمک می کند تا دانش آموزانی که دارای گونه ی زبانی گسترده و رسمی هستند از موفقیت تحصیلی بالاتری نیز برخوردار گردند. البته نباید از این امر غافل شد که موفقیت

تحصیلی دانش‌آموزان دارای گونه‌های زبانی محدود و گسترده به موارد دیگری نیز بر می‌گردد. به نظر می‌رسد در پشت این مسأله تفاوت‌های دیگری نیز باشد که موجبات ایجاد این شکاف تحصیلی بین گروه‌های مورد بحث را فراهم می‌آورد. در وهله‌ی اول می‌توان به مؤلفه‌ی طبقه‌ی اجتماعی اشاره کرد. مدرسی که در مناطقی با بافت اجتماعی و فرهنگی بالاتری قرار دارند از چند بعد نسبت به مدرسی که در مناطقی با بافت اجتماعی و فرهنگی پایینی هستند، برتری دارند. این امر خودش را هم در بعد فیزیکی و امکانات مدارس نشان می‌دهد و هم از نظر نیروی انسانی. غالب مدرسی که در مناطق بالا هستند دارای کارگاه‌هایی با امکانات بیشتری هستند؛ از وسایل کمک آموزشی پیشرفته‌تری بهره می‌گیرند؛ کلاس‌های این مدارس از تعداد دانش‌آموزان کمتری تشکیل می‌شود؛ و بالاخره از کادر مجرب و با تجربه‌تری بهره می‌گیرند. لذا مجموعه‌ای مرکب از عوامل فوق می‌تواند بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر داشته باشد.

در تحلیل یافته‌های مربوط به سؤال چهارم تحقیق باید گفت گونه‌های زبانی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان بسیار مؤثر است؛ در حالی که طبقه اجتماعی به تنهایی تأثیری در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان نداشته است. به هر حال وقتی تعامل گونه و طبقه با هم مورد بررسی قرار می‌گیرد باز یافته‌ای دال بر تأثیر تعامل آنها بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مشاهده نمی‌شود. این یافته دقیقاً با نظریه برنشتاین مطابقت دارد؛ چرا که برنشتاین نیز معتقد است که طبقات اجتماعی بالا و پایین، گونه‌های زبانی متفاوتی را بوجود می‌آورند و این گونه‌های زبانی هستند که در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر هستند و نه صرفاً تعامل همزمان بین طبقه و گونه. در تبیین این یافته می‌توان اظهار داشت که موقعیت اجتماعی و فرهنگی والدین طبقات مختلف جامعه، خود را در رفتارها و سبک زبانی والدین نمایان می‌کند. همان‌طور که در تبیین تأثیر طبقه اجتماعی بر گونه‌های زبانی اشاره شد؛ کیفیت تعامل زبانی والدین با کودکان در ایجاد گونه‌های زبانی متفاوت بسیار اهمیت دارد تا جایی که والدین، گونه‌ی زبانی خود را در کودکان خود باز تولید می‌کنند. در راستای این امر تعامل زبانی بین کودکان و والدین باعث افزایش قدرت تخیل و تفکر شده که این موضوع خود را در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان نمایان می‌کند. البته شایان ذکر است که عواملی چون نوع سبک رهبری والدین در برخورد با کودکان؛ محیط فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی؛ تحصیلات والدین؛ کیفیت شغل والدین؛ توجه معلمان به دانش‌آموزان دارای قوه بیان بالا؛ کیفیت کادر انسانی مدارس مد نظر؛ امکانات و تجهیزات مدارس و بسیاری

فرهنگ و نقش آن در ایجاد گونه های زبانی محدود و گسترده و ...

از عوامل دیگر می توانند در شکل گیری گونه های زبانی دانش آموزان دخیل باشند که تفاوت گونه های زبانی آنها بر موفقیت تحصیلی آنها تأثیر می گذارد. متکی به نتایج این تحقیق می توان بر ضرورت توجه به دروسی مانند درس انشا و یا فعالیت هایی که توانمندی دانش آموزان در نوشتار و گفتار نظام مند را رشد می دهند، تأکید مضاعف نمود.

دانش آموزان در بدو ورود به مدرسه با ساختارهای رسمی مواجه می شوند که یکی از این ساختارها متوجه زبان است. از آنجا که زبان گفتاری دانش آموزان، معلمان و همچنین زبان نوشتاری کتب درسی از نوع رسمی است؛ از این رو دانش آموزانی که از فرهنگ غنی برخوردارند در تعامل خود با محیط مدرسه واکنش های مناسبی را ارائه می دهند؛ چرا که با زبان حاکم بر کتب درسی آشنایی دارند. در نتیجه این دانش آموزان از عملکرد تحصیلی بالاتری برخوردار می شوند؛ در حالی که این شرایط در مورد دانش آموزانی که از فرهنگ های پایین جامعه بر خاسته اند متفاوت است؛ زیرا این گونه دانش آموزان باید ابتدا زمانی را صرف یاد گرفتن زبان ویژه حاکم بر تعاملات بین انسانی در مدرسه و همچنین زبان نوشتاری کتب درسی نمایند و در گام بعدی می توانند با دانش آموزان دیگر همسو شوند. با این اوصاف زبان رسمی و گسترده در آموزش و فرآیند یاددهی - یادگیری به عنوان یک امتیاز مثبت برای دانش آموزان طبقات متوسط و بالای جامعه قلمداد می شود و برای دانش آموزان طبقات پایین به عنوان یک ضعف و عامل عقب افتادگی تحصیلی بالادخص در دوران ابتدایی محسوب می شود. آموختن زبان به کودکان، به توجه و دقت مستمر و کافی نیاز دارد تا ساختار محکمی برای زبان و سخن - گویی کودک فراهم نماید؛ در این مسیر، تصور می شود کانون های پرورش فکری کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از متغیرهای محیطی می توانند نقش مهمی در رشد و پرورش همه جانبه ی کودکان داشته باشند. متخصصان مربوطه باید برنامه هایی را تنظیم کنند که زمینه های مناسبی را برای رشد در تمامی جنبه های جسمی، عاطفی، اجتماعی، شناختی و خصوصاً رشد زبان و گفتار فراهم آورند. در واقع مریبان مربوطه باید از طریق ایجاد تجربه های صحیح، به افزایش واژگان گفتاری و گنجینه ی لغات کودکان کمک کنند.

گذراندن واحدهای تخصصی راجع به مهارت های زبان آموزی و آموزش چگونگی انتقال این مهارت ها به دانشجویانی که در مراکز تربیت معلم مشغول به تحصیل هستند؛ این امکان را فراهم می آورد که در موقعیت های متفاوت، تصمیم های مناسبی جهت مواجهه با ضعف زبانی دانش -

آموزان اتخاذ نمایند. به آموزگاران که در مناطق دو زبانه و یا محروم تدریس می‌کنند توصیه می‌شود که با دانش‌آموزان خود تعامل زبانی بیشتری برقرار نمایند تا از این طریق دانش‌آموزان مد نظر بتوانند به رشد فکری و زبانی بیشتری دست یابند. ضرورت دارد کلاس‌های توجیهی و تخصصی برای والدین دانش‌آموزانی که در مناطقی با بافت اجتماعی و فرهنگی پایین زندگی می‌کنند برگزار شده و راهکارهای مناسب جهت افزایش تعامل فکری و زبانی آنها با کودکان شان گوشزد گردد و آموزش داده شود.

منابع

- پرتویی، زیبا (۱۳۷۴). پژوهشی بر رابطه زبان و طبقه اجتماعی و کاربرد آن در کودکان دبستانی بر پایه‌ی نظریه‌ی برنشتاین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی. دانشگاه فردوسی مشهد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی.
- جهانگیری، نادر؛ افخمی، علی؛ کوچک زاده، فهیمه (۱۳۸۶). گسترش واژگانی و ساختاری زبان نوشتاری دانش‌آموزان مقطع ابتدایی بر اساس متغیر طبقه اجتماعی در چهار چوب نظریه‌ی برنشتاین. پژوهش زبان خارجی. شماره ۳۹. صص ۲۱-۳۷.
- حسن مرادی، نرگس (۱۳۸۸). تحلیل محتوای کتاب درسی. تهران: انتشارات آبیژ.
- دوستی‌زاده، محمد رضا (۱۳۸۷). اهمیت انتقال فرهنگ در کسب مهارت‌های زبانی. پژوهش زبان‌های خارجی. شماره‌ی ۴۶. صص ۸۴-۶۷.
- رضایی، والی (۱۳۸۴). زبان معیار چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ نامه‌ی فرهنگستان. شماره‌ی ۳. صص ۲۰-۳۵.
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه (۱۳۷۷). روش تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. چاپ ششم. تهران: انتشارات سمت.
- شاهی، فرزانه (۱۳۸۹). تأثیر بازی‌های واجی رایانه‌ای بر مهارت خواندن دختران اول ابتدایی شهرستان شاهین‌شهر. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی آموزش زبان فارسی. دانشگاه پیام نور اصفهان. دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.
- عارفی، مرضیه (۱۳۸۲). بررسی مهارت‌های زبانی-شناختی کودکان دو زبانه با زمینه‌های اقتصادی-فرهنگی متفاوت. فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی. سال دوم. صص ۶۸-۵۷.
- علاقه بند، علی (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات روان.

فرهنگ و نقش آن در ایجاد گونه های زبانی محدود و گسترده و ...

- کوچک زاده، فهیمه (۱۳۸۵). گسترش واژگانی و ساختاری زبان نوشتاری دانش آموزان مقطع ابتدایی بر اساس متغیر طبقه‌ی اجتماعی در چهار چوب نظریه‌ی برنشتاین. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه پیام‌نور تهران. دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.

- معروفی، یحیی، یوسف زاده، محمدرضا (۱۳۸۸) تحلیل محتوا در علوم انسانی (راهنمای عملی تحلیل کتاب درسی). همدان، سپهردانش.

- مقنی زاده، محمدحسن (۱۳۸۱). ارتقاء فرهنگ مدرسه، بنیانی برای اصلاح مدرسه. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳. صص ۱۱۳-۱۰۷.

- نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۷۷). زبان و اجتماعی شدن: کاربرد انسان‌شناسی زبان. نامه‌ی علوم اجتماعی. شماره‌ی ۱۱. صص ۱۷۲-۱۶۳.

- Aarefi, M. (2008). investigation on linguistic-cognitive skills of bilingual children with different economical-cultural backgrounds. **Quarterly journal of educational innrations**. NO.22, pp: 95-106.

- Allafchi, J. (1998). **the relationship between social class and speech codes with respect to syntactic complexity**. linguistics Shiraz University.

- Atherton, J. (2002). **Basil Bernstein**. <http://www.Doceo.Co.uk/language-codes.htm>.

- Bavin, E., Grayden, D. B., Scott, K. and Stefanakis, T. (2010). Testing auditory processing skills and their associations with language in 4-5 year olds. **Language and speech**. Vol 53,1, Pp: 31-47.

- Bernstein, B. (1974). **Class, codes and control**: vol 1: London. Routledge & Kegan Paul.

- Denevan, P.S. (1980). **the sociology of school knowledge**. university of Wisconsin- Madison.

- Hawkins, P. R. (1969). social class, The nominal group and refrence. **language and speech** .vol 12,2, pp:125-132

- hoadley,U., Muller,J. (2009). **codes, pedagogy and knowledge: adances in bernsteinian sociology of education**. Web.uct.ac.za/depts/educate/download/cod

- Johnston, R. P. (1977). social class and the speech of four year olds:the effect of intelligence. **language and speech**. vol2,1, pp:40-47.

- Lawton, D. (1964). social class language differences in group discussion. **language and speech**. vol7,3, pp:183-204.

- Lazear,E. P. (1999). "Culture and Language." **Journal of Political Economy**, University of Chicago Press, vol. 107(S6), pages S95-S126, December.

- MacWhhinney, B., Osser, H. (1977). Verbal planning function in childrens speech. **Child development**. Vol48, Pp:978-985.

- Masoumi, D., Lindstrom, B. (2009). Foundations of cultural design in e-learning, **International Journal of Internet and Enterprise Management**, Vol. 6, No. 2, pp 124-142.
- Mikolic, V. (2010). Culture and language awareness in the multicultural environment of Slovene Istria. **Journal of pragmatics**. V. 42 pp.637-649.
- Moerk, E. L. (2000). Levels of language mastery and their causative antecedents. **Psycholinguistics on the threshold**. Vo3. no2, Pp: 77-83.
- Mokhtarnia, S. (2011). Language Education in Iran: A dialogue between cultures or a clash of identities. **Procedia-Social and Behavioral Sciences**. V. 15, pp.1998-2002.
- Robinson, W. P. (1965). The elaborated code in working class language. **Language and speech**. Vol 8,4, Pp: 243-252.
- Sadovnik, A. R. (2001). basil Bernstein.paris, unesco: **international bureau of education**. vol. xxxI, no.4, pp: 687-703.
- Sadovnik, K. R. (2008). **schools, social class and youth: a bernsteinian analysis.rugersuniversity**.
Education.adelphi.edu/news/bernsteiniananalysis.pdf.